

خبر

آمار نهایی تلفات حادثه ارومیه نامعلوم است
۷۰ کشته در سانحه بوئینگ هما

گروه حوادث: باز هم حادثه هوایی. این بار یک بوئینگ ۷۲۷ در مقصدش در فرودگاه ارومیه نرسید و پیش از فرود در حوالی یک روستا دچار حادثه‌ای شد که برخی آن را سقوط دانستند اما معاون وزیر راه و ترابری از آن به عنوان فرود یاد کرده است. این حادثه بنا به اعلام روابط عمومی سازمان پزشکی قانونی به نقل از مدیر کل پزشکی قانونی استان آذربایجان غربی ۷۰ کشته بر جای گذاشت که البته به دلیل وخامت حال مجروحان احتمال افزایش تلفات وجود دارد. این هواپیمای مسافربری متعلق به شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) قرار بود ۹۵ مسافر و ۱۲ خدمه پرواز شماره ۷۷۷ را از فرودگاه مهرآباد به ارومیه برساند اما خلیان در مرحله اول نتوانست روی باند به زمین بنشینند و پس از آن ارتباط بین بوئینگ و برج مراقبت قطع شد و ساعتی بعد خبر رسید امدادگران باید خود را به دشت «کلیساکندی» برسانند، چراکه خبرها از سقوط هواپیمادر ایسن منطقه حکایت دارد. این بوئینگ قرار بود ساعت ۱۶ تهران را ترک کند اما پرواز بنا به دلایلی که تا لحظه تنظیم این خبر مشخص نشده بود با دو ساعت و نیم تاخیر انجام شد، سپس هواپیمای بدون هیچ مشکلی به نزدیکی فرودگاه ارومیه رسید اما زمانی که برج مراقبت به کاپیتان دادرس اجازه فرود داد او و کمکش کاپیتان توفیقی و همچنین مهندس پرواز به نام رستگار به این نتیجه رسیدند که شرایط برای نشستن مساعد نیست، یک منبع آگاه دایل انصراف خلیان را از فرود، شرایط نامساعد جوی، بارش باران و برف و دید کم اعلام کرد. کاپیتان دادرس پس از انصراف از فرود فرصت نیافت تصمیم بعدی‌اش را به برج مراقبت اعلام کند و قطع ارتباط بی‌سیمی مسوولان فرودگاه ارومیه را در بهت و نگرانی فرو برد تا اینکه ساعت ۱۹:۴۵ هواپیمادر دشت کلیسا کندی در هفت کیلومتری ارومیه دچار سانحه شد. پس از مسجل شدن حادثه که البته برخی منابع از جمله «محمد مجیدی» معاون مدیریت بحران وزارت راه و ترابری از آن به عنوان فرود اضطراری یاد کرده‌اند گروه‌های امدادی به سمت محل اعزام شده به راه افتادند اما بارش سنگین برف و مسدود بودن راه‌ها عملیات امداد را با مانع و مشکلی بزرگ مواجه کرد. غلامرضا معصومی رئیس اورژانس کشور دیشب تنها مشکل در امدادرسانی به سرنشنان بوئینگ را برف سنگینی دلاست که حدود ۷۰ سانتیمتر در محل حادثه به زمین نشسته است، با این وجود گروه‌هایی از امدادگران هلال احمر، اورژانس، نیروی انتظامی، ستاد حوادث غیر مترقبه و سازمان‌های مسوول دیگر به هواپیمایا رسیدند. بوئینگ منفرج شده و آتش ننگرفته بود. همین موضوع احتمال زنده بودن مسافران را قوت بخشید و نجاتگران داخل هواپیمای سانحه دیده رفتند. تا لحظه تنظیم این خبر به گفته رئیس اورژانس کشور ۵۰ مسافر زنده از زخمی از هواپیمای بیرون کشیده و به مراکز درمانی منتقل شدند. مظفر رئیس سازمان آمداد و نجات هلال احمر نیز تعداد نجات‌یافتگان را ۴۵ نفر اعلام کرد البته تا ساعت ۲۳:۱۵ دیشب تعداد کشته‌شدگان این سانحه به ۷۰ نفر رسید. در همین حال منابع مختلف علت این سانحه را شرایط نامساعد جوی اعلام کردند. با این وجود اعلام نظر قطعی در این باره به تحقیقات بیشتر نیاز دارد.

گروه حوادث: دوستی زنی متاهل با راننده خودرویی

مسافرکش به همدستی آنان در قتل شوهر زن جوان انجامید و جنایتی هولناک را رقم زد. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۸ روز ۱۵ شهریورماه اپراتور مرکز فوریت‌های پلیسی به ماموران کلانتری کهپر یک ماموریت داد به میدان تباین بروند. طبق گزارش‌های مردمی در ضلع شمالی این میدان جنازهای مثله‌شده در چند کیسه زباله پیدا شده بود. ماموران بعد از حضور در محل حادثه و اطمینان از صحت گزارش اعلام شده، همکاران خود را در اداره ویژه مبارزه با قتل مطلع کردند. آنان نیز به دستور قاضی شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی کهپر یک به بررسی موضوع پرداختند. تمامی علائم و نشانه‌هایی که در محل کشف جسد وجود داشت بر این موضوع دلالت داشت که قتل در مکانی مسقف انجام شده است و سپس قاتل یا قاتلان با تکه‌تکه کردن جسد کوشیده‌اند هرگونه سرنخی را که به رازگشایی از قتل منجر شود از بین ببرند. جنازه در حالی به پزشکی قانونی انتقال یافت که هویت او بر ماموران پوشیده بود و فقط می‌شد حدس زد متوفی مردی حدوداً ۳۰ساله است. سه روز بعد از گشوده شدن این پرونده مرموز، زن جوانی به نام سحر همسر برادرش به کلانتری کهپر یک رفت تا ناپدید شدن شوهرش را گزارش دهد. به گفته این زن همسر ۳۱ساله وی به نام محسن ساعت ۲۴ روز ۱۴ شهریور برای خرید سیگار از منزل خارج شده و دیگر برگشته بود. مشخصاتی که سحر از شوهرش ارائه داد شباهت زیادی به مقتول ناشناس داشت، به همین سبب زن جوان به پزشکی قانونی هدایت شد. او بعد از دیدن تکه‌های جسد تایید کرد قربانی همان محسن است. ثبت شدن نام مقتول در این پرونده جنایی پیشرفت بزرگی محسوب می‌شد و کارآگاهان از آن پس باید سمت‌رکز خود را صرفاً به کشف انگیزه قتل و هویت جانی با

گروه حوادث: دختر جوانی که در پی خشم آنی پدرش را به قتل رسانده بود از سوی دادگاه موظف شد هر سه ماه یک بار به روانپزشک مراجعه کند. به گزارش خبرنگار ما، این دختر ۲۸ساله که خدیجه نام دارد بعد از اعلام رضایت اولیاسی دم مقتول به خاطر جنبه عمومی جرم محاکمه و به پنج سال حبس تعلیقی و مراجعه به روانپزشک محکوم شد. گزارش این قتل چهار بهمن سال ۸۹به ماموران پلیس داده شد. در آن روز زنی با صدایی لرزان خبر داد شوهرش با ضربه چاقو به قتل رسیده است. زمانی که ماموران در محل حضور یافتند متوجه شدند ضارب دختری جوان به نام خدیجه است که هنوز در صحنه جرم حضور دارد و به شدت گریه می‌کند. وقتی خدیجه مورد بازجویی قرار گرفت به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت یک لحظه کنترل خودم را از دست دادم و به سمت پدرم حمله کردم. وی گفت: چند ماه قبل با پسری که



جنابان معطوف می‌کردند. آنان با پرس‌وجو از اقوام و آشنایان محسن فهمیدند این مرد با همسر خود اختلاف داشت و شوهرش را گزارش کرده به گفته این زن همسر ۳۱ساله وی به نام محسن ساعت ۲۴ روز ۱۴ شهریور برای خرید سیگار از منزل خارج شده و دیگر برگشته بود. مشخصاتی که سحر از شوهرش ارائه داد شباهت زیادی به مقتول ناشناس داشت، به همین سبب زن جوان به پزشکی قانونی هدایت شد. او بعد از دیدن تکه‌های جسد تایید کرد قربانی همان محسن است. ثبت شدن نام مقتول در این پرونده جنایی پیشرفت بزرگی محسوب می‌شد و کارآگاهان از آن پس باید سمت‌رکز خود را صرفاً به کشف انگیزه قتل و هویت جانی با

در پی رضایت اولیای دم مقتول صورت گرفت محکومیت دختر پدر کش به مراجعه نزد روانپزشک

خیلی دوستش داشتم نامزد شدم اما آن پسر به طور ناگهانی مرا ترک کرد و نامزدی ما به هم خورد. از این موضوع خیلی ناراحت بودم. آنقدر حالم بد شد که مجبور شدم به روانپزشک مراجعه کنم. دکتر مقداری دارو به من داد که هر روز آنها را مصرف می‌کردم، اما این داروها من را آرام نمی‌کرد، تا اینکه تصمیم گرفتم خودم دوز داروها را بالا ببرم. وی ادامه داد: روز حادثه پدرم خیلی با من بحث کرد و گفت نباید این داروها را بخورم. یکباره از خود بیخود شدم و از آشپزخانه چاقویی برداشتم و به سمت پدرم رفتم و او را زدم. فقط یک ضربه به سینهناش زدم و همان لحظه هم پشیمان شدم، اما کار از کار گذشته بود و پدرم با همان یک ضربه به قتل رسید. با توجه به اعتراف دختر جوان و ادعایی که در مورد بیماری روانی

بلکه گفت اصلاً زنی به نام سحر را نمی‌شناسد. این انکارها چندان دوام نیاورد و سرانجام متهم روز شنبه هفته جاری اسرار پشت پرده این پرونده جنایی را به زبان آورد و دست داشتن در قتل شوهر سحر را قبول کرد. پس از آن بود که زن جوان نیز چارهای جز اعتراف پیش‌روی خود ندید. وی به کارآگاهان گفت: حدود یک سال پیش بود که به عنوان مسافر سوار ماشین «سعید» شدم. از آن روز به بعد دوستی من و سعید هر روز بیشتر می‌شد تا اینکه با شدت گرفتن اختلافات میان من و همسرم تصمیم به قتل محسن گرفتم و برای همین موضوع را با سعید در میان گذاشتم و او را در این جنایت با خود همراه کردم. سحر در ادامه اعترافاش گفت: «ساعت ۲۳ روز ۱۴ شهریور با نقشه قبلی و در حالی که سعید در بیرون از خانه منتظر علامت من بود چندین فرص خواب‌آور داخل آپمیهو ریختم و به محسن دادم و او نیز آپمیهو را نوشید و بیهوش روی زمین افتاد. من که تصور می‌کردم محسن به طور کامل بیهوش شده، در خانه را باز کردم و سعید داخل آمد اما در همین لحظه بود که محسن به هوش آمد و متوجه حضور سعید شد و آنها با یکدیگر درگیر شدند. سرانجام با کمک سعید، محسن را خفه کردیم و جسد او را به آشپزخانه بردیم و در آنجا بود که سعید با چاقوی آشپزخانه جسد محسن را در دو قسمت کرد و یک‌تکه را به داخل کیسه زباله قرار داد و از خانه بیرون برد.»بنابر این گزارش، پس از رازگشایی از این جنایت دو متهم به مرجع قضایی معرفی شدند. سرهنگ «عباسعلی محمدیان» رئیس پلیس آگاهی تهران درباره این پرونده گفت: در حال حاضر در داخل کیسه زباله قرار داد و از خانه بیرون برد.»بنابر این جنایت، هر دو متهم با صدور قرار بازداشت موقت در اختیار کارآگاهان اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند و تحقیقات تکمیلی ادامه دارد.

کس نمی‌داند من به خاطر قتلی که مرتکب شده‌ام چقدر عذاب می‌کنم. پدرم را با تمام وجود دوست داشتم اما آن روز هم به طور کامل از حالت عادی خارج شده بودم. هرچند پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گیرد، متخصصان اعلام کردند این دختر دچار جنون نیست اما اختلالات روحی شدیدی دارد. با این حال مسوول اعمال خود است و نمی‌توان گفت خدیجه زمان قتل دچار جنون بوده است. در حالی که پرونده هنوز مراحل قدماتی را طی می‌کرد اولیای دم مقتول اعلام رضایت کردند. سپس کیفرخواه علیه خدیجه صادر شد و دستاوتان برای این دختر به لحاظ جنبه عمومی جرم تقاضای کیفر کرد. با ارسالال پرونده به دادگاه کیفری استان تهران دختر جوان دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. وی که همچنان بر پشیمانی خود تاکید می‌کرد در حالی که به شدت می‌گریست، گفت: هیچ دهد و تحت درمان باشم.

کس نمی‌داند من به خاطر قتلی که مرتکب شده‌ام چقدر عذاب می‌کنم. پدرم را با تمام وجود دوست داشتم اما آن روز هم به طور کامل از حالت عادی خارج شده بودم. هرچند پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گیرد، متخصصان اعلام کردند این دختر دچار جنون نیست اما اختلالات روحی شدیدی دارد. با این حال مسوول اعمال خود است و نمی‌توان گفت خدیجه زمان قتل دچار جنون بوده است. در حالی که پرونده هنوز مراحل قدماتی را طی می‌کرد اولیای دم مقتول اعلام رضایت کردند. سپس کیفرخواه علیه خدیجه صادر شد و دستاوتان برای این دختر به لحاظ جنبه عمومی جرم تقاضای کیفر کرد. با ارسالال پرونده به دادگاه کیفری استان تهران دختر جوان دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. وی که همچنان بر پشیمانی خود تاکید می‌کرد در حالی که به شدت می‌گریست، گفت: هیچ دهد و تحت درمان باشم.

آگهی استخدام، دختر جوان را به قتلگاه کشاند

است. ماموران در ادامه محل سکونت این مرد را که مخروبه‌ای

در یکی از روستاهای اطراف ورمین است، شناسایی کردند و ضمن بازرسی از آنجا که شبیه کارگاه چرم‌سازی بود، زن جوانی را که مدتی قبل از خانه فرار کرده و در آن مکان زندگی می‌کرد دستگیر کردند. با انتقال زن جوان به پلیس آگاهی، وی ابتدا از حضور «سوسن» در کارگاه اظهار بی‌اطلاعی کرد ولی سرانجام از وقوع جنایتی هولناک در آن خرابه خبر داد. با اعترافات متهم مشخص شد صاحب ملک به نام غلام به همراه همسرش با طرح‌ریزی یک نقشه قبلی، آگهی استخدام چند کارگر خلم را در شهر پخش و هنگامی که «سوسن» برای کار به کارگاه مراجعه کرده، غلام با همدستی همسر خود او را بخوراندن شش شش عدد قرص خواب‌آور بیهوش و سپس وی را تکه‌تکه کرده‌اند و اموال و جواهرات او را به سرقت برده‌اند. به دنبال اعترافات زن جوان، در کمتر از نیم ساعت تمامی مخفیگاه‌های متهم فراری تحت کنترل قرار گرفت و هنگامی که وی قصد داشت فرار کند دستگیر و با راهنمایی‌های او تکه‌های جسد دختر جوان کشف شد.

ملاقات اتفاقی کلاهبردار و مالباخته در راهروی دادسرا

کشیده حرف‌هایش را باور کردم تا اینکه دفعه بعد که از آن تماس گرفتم پاسخم را نداد و از آن روز به بعد دیگر خبری از او ندارم.» چند روز

پس از ثبت این شکایت در شرایطی که افسران پلیس در حال تجزیه و تحلیل اظهارات شاکی بودند،

شاهدی به دست آمد که نشان می‌داد مرد تحت تعقیب در هیچ کدام از شرکت‌های خودروسازی

سمتی ندارد و این عنوان را جعل کرده است. ادامه تجسس‌ها ماموران

را به اطلاعات بیشتری رساند و فاش کرد سعید علاوه بر جعل عنوان کارمند شرکت خودروسازی، ادعای دیگری را مطرح کرده و مدعی عضویت در یکی از ارگان‌های دولتی

نیز شده است. در چنین شرایطی تحقیقات در این باره ادامه یافت تا اینکه چند روز قبل شاکی که برای پیگیری پرونده‌اش به دادسرای ناحیه ۱۶ رفته بود رسا سیمه خود

را به شعبه هشتم بازپرسی رساند و گفت لحظاتی قبل سعید را در راهروهای دادسرا دیده است. به این ترتیب به دستور بازپرس پرونده ماموران انتظامات دادسرا در اقدامی

ضربتی کلاهبردار فراری را دستگیر کردند و فهمیدند او برای پیگیری کاری اداری به آنجا مراجعه کرده بود. متهم

۲۹ساله پس از دستگیری به پایگاه پنجم پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. وی در بازجویی‌های

مقاماتی اتهامش را پذیرفت و به کلاهبرداری ۲۵ میلیون

تومان اعتراف کرد. سرهنگ علی‌اکبر اسدی رئیس پایگاه

پنجم پلیس آگاهی با تایید این خبر از صدور مجوز انتشار

تصویر بدون پوشش متهم خبر داد و از مالباختگان احتمالی

دعوت کرد برای پیگیری ماجرا به پایگاه پنجم پلیس آگاهی

مراجعه کنند. وی همچنین از سایر شهروندان که اطلاعاتی

درباره این متهم در اختیار دارند خواست اطلاعات خود را

در اختیار کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی قرار دهند.



گروه حوادث: مرد شایدهی که با ادعای نفوذ در یکی از شرکت‌های بزرگ خودروسازی توانسته بود دیگری را فریب دهد و دست به کلاهبرداری میلیونی بزند با پای خودش در دام پلیس گرفتار شد. به گزارش خبرنگار ما، تحقیقات در این باره زمانی آغاز شد که مردی سه کلانتری خانی‌آباد نو رفت و مدعی شد جوانی به نام سعید به بهانه شرکت در مزایده خرید خودرو میلیون‌ها تومان از وی کلاهبرداری کرده است. این مرد در شکایت‌اش مدعی شد جوان کلاهبردار ادعا کرده کارمند یکی از شرکت‌های خودروسازی است و از این طریق او را فریب داده است. در جریان تحقیقات در این باره که بر عهده کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی گذاشته شده بود، شاکی در تشریح این کلاهبرداری گفت: مدتی قبل با سعید آشنا شدم. او گفت کارمند یکی از شرکت‌های معتبر خودروسازی است و رابطه نزدیکی با مسوولان این شرکت دارد و به همین دلیل می‌تواند به من کمک کند تا در مزایده خرید خودرو شرکت کنم. سعید چند مرتبه در این باره با من صحبت کرد تا عاقبت با پیشنهادش موافقت کردم و مبلغ ۲۵ میلیون تومان به وی دادم و منتظر شدم تا نتیجه مزایده مشخص شود و من صاحب خودرو شوم. حین پرداخت پول حتی در فرم‌هایی که مربوط به شرکت خودروسازی بود با سعید قرارداد بستم و ظاهر همه چیز قانونی بود. سعید در این باره‌ها چندین نامه مربوط به شرکت را نشان داد و من هم با دیدن آنها هیچ تردیدی در مورد حرف‌هایش به خود راه ندمادم. وی ادامه داد: «مدتی از این ماجرا گذشت اما خبری از خودرو نبود. چند مرتبه با سعید تماس گرفتم اما او گفت زمان تحویل خودرو به تأخیر افتاده است و باید چند هفته صبر کنم. من هم که نمی‌دانستم او چه نقشی‌ای برایم

حادثه‌ها

تعرض به ۹ دختر پس از خوراندن داروی بیهوشی



گروه حوادث: دادگستری استان کردستان در اطلاعاتی‌های همراه با انتشار عکس یک متهم، شاکیان احتمالی او را به دادسرا فراخواند. این متهم به نام «ب.ص» به جرم اغفال دختران تحت پیگرد قرار گرفته است. بر اساس اعلام دادگستری کردستان این فرد به ۱۷ مورد سرقت و ۹ فقره تجاوز به عنف متهم است و پرونده‌اش به خاطر این جرائم و اغفال دختران، در بازپرسی شعبه پنجم دادسرا سنجند تحت رسیدگی قرار دارد. در این اطلاعیه شکایت خود را مطرح کنند» این متهم طعمه‌های خود را به خوراندن قرص‌های بیهوشی مورد تعرض قرار می‌داد و لوازم آنها را به سرقت می‌برد.

پنج کشته و ۴۰ مجروح در تصادف اتوبوس گروه حوادث: واژگونی اتوبوس حامل زائران ایرانی در برخورد آن با یک دستگاه سبوری ال-۹۰ در اتوبان قم-تهران پنج کشته و ۴۰ مجروح برجای گذاشته است. سرهنگ پرویز سیاح البرزی معاون عملیات پلیس راه کشور در این باره گفت: ساعت ۱۷:۴۷ عصر یکشنبه یک دستگاه اتوبوس مسافربری «مان» حامل زائران ایرانی از کرپلا به سمت تهران در حال حرکت بود در اتوبان قم- تهران سه کیلومتر بعد از فرودگاه امام خمینی(ره) پس از برخورد با یک دستگاه سبوری ال-۹۰ واژگون شد. وی با اعلام اینکه مقصد اتوبوس کاشمر بود، تصریح کرد: بر اساس گزارش‌های اولیه در این حادثه حداقل پنج نفر که یکی از آنان راننده ال-۹۰ بود در دم جان باختند و سایر حادثه‌دیدگان به مراکز درمانی منتقل شدند. بنا به گفته البرزی علت حادثه تخلفی از سرعت مطمئنه از سوی راننده سبوری ال-۹۰ و لغزندگی مسیر اعلام‌شده است که سبوری پس از برخورد با گاردریل، باعث انحراف اتوبوس از مسیر و در ادامه واژگونی اتوبوس بر روی ال-۹۰ شده است. در همین حال حسن عباسی مدیر روابط عمومی اورژانس تهران نیز در این رابطه به ایسنا گفت: بر اساس گزارش‌های اولیه در حادثه واژگونی اتوبوس مسافربری حامل زائران ایرانی حداقل پنج تن کشته و حدود ۴۰ تن مجروح شدند. به گفته وی ۲۳ تن از مجروحان این حادثه به بیمارستان هفت تیر شهری و ۱۷ مجروح نیز با آمبولانس به بیمارستان فیروزآبادی منتقل شدند.

محکومیت مامور پلیس به اتهام شلیک مرگ‌بار
گروه حوادث: یک مامور پلیس که متهم است با شلیک به سمت یک پیک موتوری او را به قتل رسانده است بار دیگر محاکمه و عمل وی قتل غیر عمد شناخته شد. به گزارش خبرنگار ما، این مامور پلیس که دو سال قبل با شلیک به سمت جوانی باعث مرگ او شده، پیش از این یک بار از سوی شعبه ۷۴ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شده و توضیح داده بود که زمان حادثه ابتدا به مرد موتورسوار دستور ایست داد، اما آن فرد اقدام به فرار کرده و وی نیز برای متوقف کردن مظنون به شویش شلیک اما نیز به نقطه حساس بدن موتورسوار برخورد کرده و باعث مرگ او شده است. در حالی که تحقیقات نشان می‌داد مقتول به خاطر نداشتن گواهینامه از دست مامور پلیس می‌گریخت، هیات قضات متهم را به پرداخت دیه محکوم کردند اما دیوان عالی کشور ای صادره را به خاطر نبود نظریه کارشناسان در مورد نحوه رضی کرد. متهم دیروز بعد از کسب نظر کارشناسان اسلحه یک بار دیگر محاکمه شد و قضات شعبه ۷۴ بار دیگر وی را از قتل عمدی تبرئه و صرفاً به پرداخت دیه محکوم کردند.

بخشیدن ۱۳۶۹ سکه طلا برای جدایی از شوهر دروغگو

زنی ۲۰ساله وقتی فهمید شوهرش قبلاً یک بار ازدواج کرده و طلاق گرفته، با بخشیدن مهریه ۱۳۶۹ سکه‌ای خود به زندگی مشترک‌شان پایان داد. به گزارش ایسنا، زن ۲۰ساله وقتی به دادگاه خانواده شماره ۲ رفته و اظهاراتش به قاضی پرونده گفت: «یک سال و نیم پیش من و همسرم به عقد هم درآمدیم و در دوران نامزدی هیچ مشکلی نداشتیم و شش ماه پیش با برگزاری مراسم عروسی زندگی مشترک خود را شروع کردیم.» وی ادامه داد، من با صداقت کامل وارد زندگی شدم اما پس از مدتی متوجه شدم همسرم قبل از ازدواج با من، با شخص دیگری ازدواج و این مساله را از من پنهان کرده است. او با گرفتن شناسنامه العثنی مرا فریب داده و من تحت هیچ شرایطی حاضر به ادامه زندگی با این فرد نیستم. وی ادامه داد: «ما چند ماه پیش به مهمانی یکی از اقوام همسرم دعوت شده بودیم که به تازگی از سفر حج برگشته بود. در این مهمانی بود که من با توجه به گفته‌های دیگران فهمیدم، همسرم قبلاً یک بار طلاق گرفته است. من برای جدایی از این مرد تمام مهریه‌ام را که ۱۳۶۹ سکه بهار آزادی است می‌بخشتم.» قاضی دادگاه پس از شنیدن اظهارات زن ۲۰ساله از شوهر او پرسید چرا واقعیت را از وی پنهان کرد. این مرد در پاسخ گفت: «من به دلیل علاقه فراوانی که به همسرم داشتم نتوانستم این حقیقت را بگویم چون نمی‌توانستم از او جواب مثبت بگیرم و با وی ازدواج کنم.» بنا بر این گزارش قاضی دادگاه پس از شنیدن حرف‌های این زوج حکم طلاق را صادر کرد.

ققنوس(دفتر مرکزی)خیابان ایرانشهر شمالی ، شماره۱۵۴ تلفن :۰۱۱۱-۸۸۳۰۰۱۱۱ ققنوس(شعبهبرج سایه)خیابان ولیعصر ، روبروی پارک ملت ، برج سایه ،طبقه ۶ ، واحد ۶ تلفن :۰۱۴۰۰۴-۲۶۲۰